

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

عبدالله باوی
۱۴ جولای ۲۰۱۴

انتقاد دژخیمان از همدیگر !

آخوند حسن روحانی رئیس جمهور منتصب ، در حالی که هر روز جوانی را به چوبه دار می آویزد ، از باز شدن فضاء سخن می گوید و آزادی زندانیان را وعده می دهد. او در بحث هایی که با جناح دیگر دارد در حالی که دولتش هر روز مانع جدیدی در مقابل مردم جهت استفاده از "فضاهای مجازی" قرار می دهد از محکومیت "محدود کردن آزادی های فردی و اجتماعی در رابطه با محدودیت فضاهای مجازی و فیلتر کردن شبکه های اجتماعی" سخن می گوید. او با این کارها نشان داده که در فریب کاری دست کمی از "فریبا" نامی که مردم ، به حق به آخوند ریاکار خاتمی دادند، ندارد.

در همین رابطه اخیراً وی در همایشی در تهران چنین گفت: "این قدر در زندگی مردم مداخله نکنیم (۱)، ولو به خاطر دلسوزی؛ بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند، نمی توان با زور و شلاق مردم را به بهشت برد. همه باید کاری کنیم که آرامش در جامعه حاکم باشد." این سخنان فوراً از سوی امام جمعه مشهد آخوند علم الهدی چنین پاسخ داده شد: "شلاق که سهل است، با همه قدرت جلوی کسانی که مانع بهشت رفتن مردم شوند خواهیم ایستاد". و زمانی که روحانی در دفاع از خود فریاد زد برخی روحانیون "اسلام را نشناخته اند" فوراً آخوند مصباح یزدی که خود از دژخیمان این رژیم سرتاسر گندیده است وارد میدان شده و با کنایه به تحصیل روحانی در انگلستان در جواب او چنین می گوید: "مگر خود تو دینت را از کجا یاد گرفته ای؟ از فیضیه یا از انگلستان؟". (تأکید از من است)

حسن روحانی که خود از سوی طبقه حاکم عوام فریبانه به عنوان "مدافع حقوق ملت" و فردی "میانه رو" و حاصل رأی توده ها به میدان فرستاده شده است در شرایطی به روی کار آمده است که لاپوشانی سیاست های ضد مردمی طبقه حاکمه، شخص جدیدی را می طلبیده است و گرنه سیاست های او در ادامه همان سیاست های "ولی فقیه" و تداوم سیاست های چپاولگرانه امپریالیستی است. آخوند حسن روحانی برای حفظ نظام بحران زده سرمایه داری وابسته و تداوم برنامه های امپریالیستی به میدان آمده و عمل می کند. اقدامات ضد کارگری او در تحمیل هرچه بیشتر بیکاری و بی حقوقی بر کارگران، فریب کاری های او و رژیم جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر آشکار می کند. او به دلیل آن که از درون همین نظام سراسر گندیده و نکبت بار بیرون آمده قادر نیست و نخواهد بود که کمترین مشکلی را در جامعه حل کند، ولی اکنون شرایط سیاسی و اقتصادی در جامعه و به خصوص وضعیت مالی دردآور کارگران و زحمتکشان که وحشت از شورش گرسنگان را سبب شده است ، سردمداران جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است. آن ها دوباره به سیاست دو جناح "کبوتر" و "باز" روی آورده اند که مطابق آن، جناحی خواهان عملی در جهت خواست مردم است و جناحی مخالف آن. اگر او می گوید که "روحانیون اسلام را نشناخته اند" می خواهد بگوید که حکومت اسلامی و

اسلام ایراد ندارد بلکه این فلان آخوند است که اسلام را نشناخته است، و به این ترتیب می‌خواهد در دوران جدید باز هم مذهب مورد نظر ولی فقیه را بازسازی کند و بدین ترتیب به بازی خود برای فریب توده‌ها ادامه دهد. این که تمام خواسته او از "همه" یا جناح های دیگر، نه دخالت نکردن در زندگی مردم بلکه حفظ "حاکم بودن آرامش" در جامعه است در حقیقت خواسته همه جناح های حاکم است، زیرا دخالت در زندگی مردم از همان زمان به قدرت رسیدن این رژیم شروع شده بود، جناح دیگر نیز این "حاکم بودن آرامش" را خواهان و با جناح دیگر مشترک است ولی مسأله این است که همه درها را نباید بست و "امید به تغییر" را هم چنان برای توده‌ها (۲) باید باز نگهداشت. گرچه سیاست های جناحی می‌تواند منابع غارت و چپاول جناح های دیگر را به مخاطره بیندازد و به این دلیل علیه همدیگر به انتقاد برخیزند ولی در حفظ "حاکم بودن" آرامش (یعنی سرکوب مردم)، هر دو مشترکاً تا مرفق دستشان به خون مردم آلوده است.

از طرف دیگر، آخوند مصباح یزدی از جناح به اصطلاح مقابل، که خود یکی از جنایتکاران رژیم است، کسی که سرکوبی توده‌ها و تجاوز جنسی به زندانیان از افتخارات اوست و هرگز هیچ حقی برای توده‌های زحمتکش قائل نشده است (۳)، اکنون به بهانه مذهب و در حقیقت برای آن شرایطی که در آن شرایط می‌توان حاصل زحمت توده‌ها را به یغما بُرد، دلسوزی می‌کند. او در پی سخنانش که وضعیت سیاسی و روانی او را بهتر توضیح می‌دهد، چنین می‌گوید "مگر امام برای تحریم و اقتصاد قیام کرد؟ مگر این همه شهید برای شکم و تحریم جان خود را فدا کردند؟ مگر نه این است که همه شهداء در وصیت نامه های شان، اسلام و پیروی از امام را گوشزد کرده اند؟".

واقعیت این است که در طول ۳۵ سال حاکمیت ستمگرانه جمهوری اسلامی که با قتل و غارت و چپاول دسترنج توده‌های زحمتکش توأم بوده، همواره همه جناح‌های درونی این رژیم دخیل بوده اند. در تمام این سال ها این جناح‌ها علی‌رغم هر اختلاف واقعی هم که با هم داشته اند در حفظ این نظام ستمگرانه موجود شریک و مددگار هم بوده اند. این واقعیت به سردمداران جمهوری اسلامی این امکان را داده تا در جهت تداوم این رژیم، با تبلیغات فریبکارانه همیشه این گونه جلوه دهند که جمهوری اسلامی از دو جناح "رادیکال" و "میان‌رو" تشکیل شده است. دستگاه تبلیغاتی این رژیم ضد مردمی نیز با این دو "جناح بازی" امکانات بزرگی جهت فریب مردم کسب کرده و توانسته همیشه "امکان تغییراتی" در جهت بهتر شدن شرایط زندگی مردم را با مانع مواجه سازد. کسی فراموش نکرده که خاتمی فریبکار با ادعای اصلاح پذیری نظام، معرکه راه انداخت و با ادعای "مردم سالاری دینی" و "حکومت قانون" مدتی فریب کاری نمود. کسی که در همه قتل ها و سرکوب ها دخیل بود و جوانان این مملکت را با انداختن کلید بهشت به جبهه‌های جنگ می‌فرستاد، ناگهان خود را معصوم و بی گناه اعلام کرده و دیگران را مقصر همه تقصیر ها جلوه داد. این فریبکاری به رژیم امکان داد تا با ریا کاری از شرایط سختی که شورش های مردمی نتیجه آن بود گذر کند و اکنون نوبت آخوند حسن روحانی است که با فریب کاری که خصوصیت همیشگی سیاست های این رژیم بوده است با ادعاهای گوناگون در جهت فریب مردم تلاش کند.

جمهوری اسلامی با محکوم کردن کارگران به زندگی در زیر خط فقر و سرکوب وحشیانه هر گونه اعتراض اجتناب ناپذیر آنان به این شرایط جهنمی، زمینه‌های رشد مبارزه و آگاهی در میان کارگران و زحمتکشان را علیه کل نظام فاسد و ارتجاعی خویش بارور می‌کند. مبارزه ای که در جریان رشدش ریشه مادی هر گونه ظلم و استثمار و سرکوب در جامعه را نابود و سرانجام یک زندگی شایسته و انسانی در یک نظام دموکراتیک را برای کارگران ما تضمین خواهد نمود.

در تاریخ، همیشه انقلاب برای تغییر وضع نکبت بار حاکم توسط توده‌های سرکوب شده انجام می‌شود. توده‌ها به پای می‌خیزند تا دژخیمان شان را نابود کنند و دولتمردان این نظام به غایت مرتجع نیز استثناء نیستند و دیر یا زود مردم،

جمهوری اسلامی را با هر جناح و دسته در آتش انقلاب خود به سزای اعمال و کارهای شان خواهند رسانید. این جمهوری هم چون سَلَفِ پادشاهی خود، گندیده، جنایتکار و فریبکار است و هم چون سلف خود باید به زباله‌دان تاریخ انداخته شود و بیشک انداخته خواهند شد.

زیرنویس ها:

- ۱- این جملات زمانی بیان شد که اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، از برخورد پولیس با سه میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از شهروندان در رابطه با حجاب طی یک سال گذشته خبر داده بود.
- ۲- سازمان های اپورتونیستی که هنوز "امید به تغییر" در این رژیم داشته و هر از گاهی از یک "نه بزرگ" می‌نویسند.

- ۳- "مردم چه کاره‌اند، مگر خودشان حق دارند که به کسی حق بدهند." سخنرانی در مشهد ، فروردین [حمل] ۸۹

جولای ۲۰۱۴